

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به
خانواده‌های سرزمین پرشکوه‌هم؛
ایران

خودآموز فرآموز حقوق و تکالیف شهروندی

کتاب کار با کودکان ۱۰ تا ۱۳ سال

مؤلفان:

دکتر سیامک طهماسبی

سکینه پورطالب

مریم ایوبی‌راد

فاطمه نورشرف

مهدی امیری

فاطمه مرادی

به سفارش اداره کل سلامت شهرداری تهران

با تشکر از مریم کبیری، ایرج عظیمی، اعظم آبنیکی و سمانه طوسی

ویرایش متن: زینت احمدی

صفحه‌آرایی: زانیار بابکری

طراحی جلد: ابوالفضل قهرمانی

انتشار این کتاب در نشست شماره ۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۶ شورای چاپ و نشر شهرداری تهران به تصویب رسیده است.



فهرست

۶	مقدمه
۱۰	سخنی با والدین
۱۴	بازی‌ها
۱۵	چه می‌توانیم بسازیم؟
۱۷	بدترین اتفاق ممکن
۱۹	در جستجوی گنج
۲۱	صندلی داغ
۲۳	می‌خواهم به ماه سفر کنم
۲۴	داستان‌ها
۲۵	حاضر جوابی بلبل
۲۸	پیاده و سوار
۳۰	یک قطره عسل
۳۴	کلاس ششمی مسئولیت‌پذیر
۳۶	نماز جماعت به یادماندنی
۳۸	نقاشی‌ها
۳۹	نوبت رو رعایت کنیم!
۴۰	انتخابات
۴۱	شهادت
۴۲	داستان من!
۴۳	کره‌ی زمین
۴۶	پو یا نمایی‌ها
۴۷	زایرا گل می‌چیند
۴۹	بابالنگ‌دراز
۵۳	پاندای کنگ‌فو کار: پنجه‌های سرنوشت
۵۵	آدم خانگی
۵۸	بازی‌های دیجیتال
۵۹	کابوس دشمن
۶۱	هشت‌خوان ۲
۶۴	دعا و نیایش
۶۶	منابع

مقدمه

امروزه علی‌رغم گسترش روزافزون علم و تکنولوژی، فرضیه‌ی آسانترشدن تربیت کودک در سایه‌ی این پیشرفت‌ها، رنگ باخته است و در هجوم داده‌های متنی، صوتی و تصویری و همه‌گیری شبکه‌های مجازی، آنچه سهل‌الوصولتر از قبل شد، آسیب‌های اجتماعی و اختلالات روانی متعدد بود و نه تربیت کودک سالم، شاد و بهنجار.

در این دهکده‌ی آنلاین جهانی، والدین در مسیر پروراندن کودک خود، تنها از همیشه هستند. دیگر نه آن ارتباطات خویشاوندی و انتقال تجربیات به‌خوبی اتفاق می‌افتد و نه زمین‌های بازی و محله‌ها به‌قدری وجود دارند که فرزندان را برای زندگی آینده یاری دهند. همه‌ی آنچه روزی گمان می‌رفت که برای تسهیل زندگی آمده است، اکنون در مقابل کانون خانواده قرار دارد و عمداً یا سهواً در حال تضعیف این نهاد مهم اجتماعی است؛ از تلویزیون گرفته تا اینستاگرام؛ از اخبار جعلی تا نوشتارهای نامعتبر.

قاعدتاً در این شرایط، کارایی خانواده در تربیت کودکان به‌تدریج کاهش یافته و رسانه این نقش حیاتی را به دست می‌گیرد؛ رسانه‌ای افسارگسیخته، بدون نظارت و از همه مهم‌تر، بدون رقیب. حال ما از سویی درگیر مشغله‌های مجازی خودمان هستیم، از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی فوران کرده‌اند و کودکان بیشتر از هر زمان آماج این تهدیدات هستند.

مبرهن است که هر جامعه‌ای، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، نمی‌تواند ادعای سلامت کند و بدون شک هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی هم نیست که فارغ از تأثیر خانواده به وجود آمده باشد. پدر و مادر، بهترین الگوها هستند و کودک آداب‌ورسوم، نحوه‌ی برخورد و ارتباط با محیط و بسیاری از واکنش‌های اجتماعی را از والدین می‌آموزد. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ، نقش‌های سودمندی را در جامعه به عهده گیرند؛ اما در خانواده‌های ناسالم، میزان بروز رفتارهای پرخطر بیشتر است. در چنین شرایطی و برای مصون نمودن جامعه از آسیب‌های روزافزون، باید نظام‌های اجتماعی و سیاسی برای آموزش والدین گام‌هایی بردارند. این گام‌ها شامل آموزش‌های فرزندپروری به والدین، تسهیل دسترسی به مراکز ارائه‌ی خدمت و مشاوره، ایجاد زیرساخت‌های محلی، تقویت آموزش رسمی و ... است.

یکی از این نهادهای اجتماعی که می‌تواند در ارتقای سطح سلامت روان شهروندان جامعه و به‌تبع آن خانواده‌ها نقش ایفاء کند، شهرداری‌ها می‌باشند، امروزه شهرداری‌ها در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه کشورهای پیشرفته، یکی از ارکان اساسی تأمین حفظ و ارتقای سلامت شهروندان آن جامعه محسوب می‌شوند. در حال حاضر شهرداری تهران نیز با راه‌اندازی اداره کل سلامت (در سطح ستاد)، ادارات سلامت (در سطح مناطق) و خانه‌های سلامت (در سطح محلات)، قدم‌های اساسی و زیربنایی را به‌منظور ارتقای سطح سلامت شهروندان به ویژه در ابعاد اجتماعی و روانی آن برداشته است. اجرای ویژه‌برنامه‌های مختلف آموزشی سلامت‌محور، ارائه‌ی خدمات مشاوره و روانشناسی، تشکیل کانون‌های اجتماع‌محور و جذب همکاری‌های دولتی و غیردولتی، نمونه‌ای از اقداماتی است که در این راستا در حال اجرا می‌باشد. با توجه به گسترش آسیب‌های اجتماعی و ضرورت آموزش شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان در جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر، اداره کل سلامت شهرداری شهر تهران نسبت به راه‌اندازی مراکز آموزش مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان با عنوان فرآموز در سطح مناطق بیست‌ودوگانه اقدام نموده است.

فرآموز، مکانی برای اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند برای کودکان و نوجوانان است تا در آنجا مریبان بتوانند زمینه‌ی رشد مهارت‌ها و توانمندی آنان را فراهم نموده و مهارت‌های اساسی زندگی را در آنان ارتقاء دهند و بر تجارب آنها در تعاملات و ارتباطات اجتماعی خود بیفزایند. هر مرکز فرآموز متناسب با عنوان فعالیت آن بر اساس اصول علمی و روانشناسی طراحی و فضاسازی شده و به کارگاه‌های تخصصی متنوعی برای یادگیری بهتر و سریعتر تقسیم گردیده است. آموزش در این مراکز توسط مریبان مجرب، کارآزموده، آشنا و مرتبط با مباحث روانشناسی و مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. مریبان در این مراکز در محیطی شاد، خلاق و بانشاط با بهره‌گیری از روش‌های مختلف نظیر بازی، نمایش، نقاشی، شعر، قصه‌گویی، بارش افکار، بحث و گفت‌وگوی آزاد و... مهارت‌های رفتاری را به گروه هدف آموزش می‌دهند.

لذا با توجه به اینکه عمدتاً افراد مراجعه‌کننده یک بار از خدمات مراکز فرآموز بهره‌مند می‌گردند، ضرورت تداوم آموزش‌ها به گروه‌های هدف و والدین آنان جهت پایدارسازی و اثربخشی این آموزش‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

از این‌رو بر آن شدیم تا با تدوین محتوای ساده، کاربردی، علمی و مخاطب‌پسند، بتوانیم فعالیت‌های فرآموزی را برای خانواده و محیط خانواده بازطراحی کنیم؛ به این شکل که والدین بتوانند با کمترین ابزار موردنیاز و صرف وقت اندکی، فعالیت‌های هدفمندی را با فرزندان خود کار کنند و چه‌بسا که اثرات مطلوب‌تری نیز کسب نمایند. بدین منظور برای هر مرکز فرآموز، سه جلد کتاب طراحی و تدوین شد. نخست؛ کتاب ویژه‌ی والدین که دارای دو بخش می‌باشد: بخش ویژه که به تعریف، تبیین، سبب‌شناسی و مؤلفه‌های موضوع موردنظر می‌پردازد و در آن توصیه‌ها و تکنیک‌های ارتقای مهارت در والدین و فرزندانشان به تفصیل قرار داده شده است و بخش مشترک که حاوی مطالبی در خصوص مهارت‌های عمومی و کاربردی پرورش فرزندان، نحوه‌ی تعامل با رسانه و ارتباط بین مهارت‌های زندگی با کتب درسی می‌باشد. این بخش مشترک به‌منظور جلوگیری از قطع ارتباط منطقی مباحث، در پایان تمام کتاب‌های والدگری قرار داده شده است.

در کنار کتاب والدین، دو کتاب برای انتقال مهارت‌ها به کودکان (فرزندپروری) در دو گروه ۶ الی ۹ سال و ۱۰ الی ۱۳ سال نیز تدوین شده است که هر کتاب مشتمل بر بازی، داستان، نقاشی، انیمیشن و بازی دیجیتال است. در راهنمای فرزندپروری، هدف از فعالیت‌های گردآوری‌شده، مدت‌زمان لازم برای هر کدام، ابزارهای موردنیاز و گفت‌وگوهایی که قبل و بعد از فعالیت باید با کودک داشت، شرح داده شده است. بدیهی است که به‌کارگیری فعالیت‌های کتاب فرزندپروری مطابق با شیوه‌نامه‌های آن، انتقال مهارت‌ها و مفاهیم تربیتی را به کودک بسیار تسهیل خواهد کرد.

بنا به مراتب، بسته‌ی حاضر با عنوان خودآموز حقوق و تکالیف شهروندی، برای استفاده‌ی خانواده‌های عزیز طراحی شده است. در پایان امیدواریم که آنچه در این مجموعه کتب تدوین گشته، موجبات رضایت شما والدین عزیز را فراهم سازد. آرزوی قلبی ما پرورش فرزندان سالم، بهنجار، شاد و پرتلاش در سراسر ایران است که این مهم قطعاً با همراهی پدران و مادران عزیز دست‌یافتنی است.

سخنی با والدین

والد عزیز؛ بسته‌ی خودآموزی که هم اکنون در حال مطالعه‌ی آن هستید، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل بازی، داستان، نقاشی، پویانمایی و بازی‌های دیجیتال، برای ارتقای مهارت‌های ضروری به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در فرزندان می‌باشد. تیم تألیف این محتوا در تلاش بوده‌اند با انتخاب فعالیت‌های ساده، آسان، مؤثر و البته کاربردی، راهنمای ارتقای مطلوبی برای والدین آماده نماید. از این رو عمده‌ی فعالیت‌های موجود در این راهنما، توسط نگارندگان، مشاهده یا اجرا و با حصول اطمینان از کارایی آنان به کتاب اضافه شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که از ابتدا مورد توجه تیم تألیف بود، مخاطب‌پسند بودن فعالیت‌هاست؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی والدین گران‌قدر، فارغ از میزان سواد بتوانند آنها را در محیط خانه عملیاتی نمایند. همچنین از آنجایی که فعالیت‌ها انتخابی بوده و هر کدام به‌واسطه‌ی اثربخشی خود در این کتاب قرارگرفته‌اند، لازم است متذکر شویم که اجرای مطابق شیوه‌نامه آن‌ها بسیار مهم است. برای هر فعالیت، حسب مورد،

شیوه‌نامه اجرایی نوشته شده که بهتر است والدین در هنگام تعامل با فرزندان از آن پیروی کنند. یکی از قسمت‌های موجود در شیوه‌نامه، بخش «گفت‌وگوهای قبل و بعد از فعالیت» هست که مستقیماً بینش و نگرش کودک شما را هدف می‌گیرد و ذهن کودک را برای دریافت محتوای مدنظر، قبل از مشاهده یا اجرای فعالیت؛ و تثبیت آموخته‌های پس از آن آماده می‌سازد. لذا لازم است نکاتی که به کودک می‌گویید، در گستره‌ی مواردی باشد که در این قسمت به آن اشاره شده است. برخی از والدین ممکن است در هنگام مطالعه‌ی فعالیت‌ها با خود بیندیشند که چه هدفی در آموزش این موارد وجود دارد؟ پاسخ این ابهام والدین نیز در بخش «اهداف» آمده است. به این صورت که برای عمده‌ی فعالیت‌ها، اهداف مورد انتظار از اجرای آن نوشته شده و والدین حتی با توجه به اهداف، می‌توانند برخی از فعالیت‌ها را جدی‌تر دنبال بکنند. یکی از دغدغه‌های والدین برای انجام فعالیت‌های آموزشی متنوع و اثربخش در منزل، عدم وجود لوازم موردنیاز است. بدین‌منظور تیم تألیف محتوا، با توجه به این دغدغه‌ی بجا، فعالیت‌هایی را انتخاب نموده است که با استفاده از لوازم موجود در منزل، بتوان آن را اجرا نمود.

ممکن است در نگاه اول برخی از فعالیت‌ها برای والدین، فاقد اثربخشی و جذابیت باشند! در اینجا لازم است بگوییم که فرزندان حتماً دیدگاه متفاوتی با شما خواهند داشت. شاید برخی برای شما جذاب نباشد، ولی یقیناً اگر مطابق شیوه‌نامه اجرا شوند، مشاهده خواهید کرد که فرزندان با جدیت آن را انجام داده و از انجام آن نیز لذت می‌برند؛ لذتی توأم با آموختن. اما نکته‌ی مهم در اینجا این است که همه‌ی اهداف آموزشی، چه در این راهنما و چه در سایر کتب، زمانی به نتیجه خواهند رسید که با معجون‌ی سحرآمیز ترکیب شوند؛ و آن معجون چیزی نیست جز ارتباط مثبت والد - فرزند. با اطمینان می‌گوییم که این مورد، تسهیل‌کننده‌ی هر آن چیزی است که برای آینده‌ی زیبای فرزندان ترسیم کرده‌اید. در کتاب ویژه والدین، مطالب زیادی برای نیل به این ارتباط موثر و مثبت آورده شده است. همچنین فعالیت‌های این کتاب نیز به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که به‌صورت ناخودآگاه ارتباط والد-فرزندی را مثبت و مؤثرتر سازد. با این حال اگر کوشش مجدّانه‌ی شما برای ساخت این ارتباط

نیز بدان اضافه شود، بی‌شک رضایت دوطرفه‌ی شما چندین برابر خواهد شد. پس لطفاً برای اجرای این فعالیت‌ها، زمان ویژه‌ای را در نظر بگیرید و در این مدت، فارغ از دنیای مجازی و متعلقات آن، صرفاً به کودک دل‌بند خود توجه کنید و تمام متغیرهای مزاحم و مختل‌کننده‌ی این توجه را به‌صورت موقت نادیده بگیرید.

برخی از فعالیت‌ها به‌صورت مستقیم و برخی به‌صورت غیرمستقیم به آموزش مهارت مدنظر ما می‌پردازند. در صورتیکه نسبت به اثربخشی یک فعالیت شک کردید، لطفاً یک بار آن را انجام دهید (در کتاب والدین به اثربخشی و اهمیت هر کدام اشاره شده است). پس از انجام می‌بینید که اثرات اجرای آن، بسیار بیشتر از عدم انجام است. شما صرفاً با اجرای این فعالیت، کودک را در معرض آموختن توأم با لذت قرار می‌دهید؛ امر مهمی که عمدتاً محقق نمی‌شود. پس یادمان باشد که کمترین اثر این راهنما، غنی‌سازی محیطی است؛ یعنی مهیا کردن محیطی روانی و فیزیکی برای فرزندان تا کمی بیشتر با شما باشد و از اینکه کنار شماست، لذت ببرد. از سوی دیگر، انجام این فعالیت‌ها، یعنی توجه مؤثر و مطلوب به فرزندان. فرزند شما این «توجه» را درک می‌کند و مطمئن باشید که به آن پاسخ دلگرم‌کننده‌ای خواهد داد.

نکته‌ی بعدی اینکه، ترتیب قرارگیری فعالیت‌های آموزشی، براساس میزان اهمیت آن‌ها بوده است؛ یعنی برای ما بازی، داستان و نقاشی در اولویت هستند و شما نیز بهتر است بیشتر تمرکزتان را روی این سه بگذارید. تمام این فعالیت‌ها خاصیت تکرارپذیری دارند و شما هر کدام را می‌توانید چندین بار با فرزندان انجام دهید.

با توجه به اینکه در دنیای دیجیتال کنونی، نادیده گرفتن رسانه و فضای مجازی، سر زیر برف کردن است و این واقعیت زندگی امروز می‌باشد؛ سعی کردیم انیمیشن و بازی‌های دیجیتال مرتبط و مناسبی برای کودکان معرفی کنیم. منتهی لازم است والدین حتماً میزان و نحوه‌ی استفاده‌ی فرزندان از ابزارهای دیجیتال را کنترل کنند که یقیناً مضرات آن، بسیار بیشتر از مزایای آن است. پویانمایی (انیمیشن) و بازی‌های دیجیتال معرفی‌شده در این راهنما، فیلترهای معمول برای اینکه مناسب خانواده باشند را گذرانده‌اند و شما می‌توانید با اطمینان آن‌ها را با کودکان خود مشاهده و اجرا کنید. البته فضای مجازی مملو از نسخه‌های متفاوت از یک انیمیشن یا بازی است

و یا ممکن است پیدا کردن آن برای شما دشوار باشد. از این رو برای آنکه مسیر کوتاه‌تری را برای دانلود بازی دیجیتال یا انیمیشن طی کنید و همچنین از دانلود نسخه‌های نامناسب جلوگیری شود، برای هر کدام از این موارد یک رمزیننه‌ی پاسخ سریع (QR Code) طراحی شده است. شما می‌توانید با دانلود اپلیکیشن رمزیننه‌خوان در سایت‌ها و برنامه‌های موجود و اسکن رمزیننه به‌وسیله‌ی دوربین گوشی‌تان مستقیماً وارد صفحه‌ی دانلود امن شوید و محتوای موردنظر را بر روی گوشی خود داشته باشید. برای دانلود اپلیکیشن رمزیننه‌خوان می‌تواند عبارت «QR» را در کافه‌بازار جستجو کنید و اولین برنامه‌ی پیشنهادی را نصب نمایید.

مجدداً با قدردانی از تمامی والدین، صبوری و همت مضاعف در کار با فرزندان را، از مهم‌ترین ویژگی‌های پدر و مادر ایرانی می‌دانیم و امید آن داریم که در هنگامه‌ی شکوه و سعادت، جدیت توأمان خود را در کاربست این راهنما به میدان آورید.



بازی‌ها

چه می‌توانیم بسازیم؟

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

بازی شماره ۱



- آموزش تفکر انتقادی؛
- ارتقای مهارت کار گروهی؛
- آگاه کردن کودک به داشتن تفکر انتقادی؛
- معرفی تفکر انتقادی به عنوان یکی از حقوق و تکالیف شهروندی؛



وسایل مورد نیاز



ماکارونی



پازل ساختمانی (لگو)

اجرا

در این بازی کودک و شما یک تیم می‌شوید و لوازم مورد نیاز بازی را آماده می‌کنید. چالشی که وجود دارد این است که با این لوازم در مدت زمان نیم ساعت چه چیزی می‌توان ساخت.

به کودک بگویید که در آخر بازی آنچه ساخته‌ایم را از نظر سریع بودن، محکم بودن و کاربردی بودن بررسی خواهیم کرد و نمره خواهیم داد. چون کاری که کاربردی و سریع آماده شود، نتیجه‌ی کار تیمی منظم و سازمان یافته است. کودک با فکر شروع به طراحی‌های ذهنی می‌کند. شما نیز او را راهنمایی کنید. هر فکری که به نظر هر کدام از شما می‌رسد، باید بررسی شود. سپس شروع به کار کنید. شما به‌عنوان الگوی یک هم‌گروهی فعال، سعی می‌کنید در ساختن سازه به او کمک کنید. ساخت آسمان‌خراش‌ها می‌تواند ایده‌ی خوبی باشد که در ضمن آن مسائل روز شهر و شهروندی برای کودک توضیح داده شود.

- فکر و ایده‌هایی که داشتیم ولی ساختیم، چه ایرادهایی داشتند؟

- در مورد کوچه و محل زندگی ما چه نکات مثبت و منفی وجود دارد؟

- اگر بخواهی نقاط ضعف یک فرد یا یک موضوع و ایده را بگویی، چه

چیزهایی را باید رعایت کنی؟

- اگر قرار باشد مسئله یا پیشنهادی را بپذیری قبل از پذیرش آن، چه

مواردی را بررسی می‌کنی؟ برای مثال پیشنهاد دوستت برای رفتن به

یک جشن تولد.

بازخورد
از کودک

بدترین اتفاق ممکن

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

بازی شماره ۲

- تقویت مهارت حل مسئله؛
- در نظر گرفتن ابعاد مختلف یک موضوع؛
- تقویت قوهی تخیل و خلاقیت در کودک؛
- حق رفاه و تأمین اجتماعی به‌عنوان یک شهروند؛
- جلب توجه کودک به حق دسترسی به اطلاعات به‌عنوان یک شهروند؛



اجرا

این بازی نیازمند به‌کارگیری حل مسئله در کودکان است. یک سناریو برای کودک تعریف کنید. برای مثال:

- شما سر گروه گروهی هستید که در یک جزیره‌ی متروکه رها شده‌اید و حالا قصد دارید به کشور خود بازگردید. چه راه‌حلی برای بازگشت و زنده ماندن تکتک گروهتان وجود دارد؟ چه اتفاق‌هایی ممکن است برای گروه شما بیفتد؟

- فرض کنید شما در دریا رها شده‌اید. چه راه‌حلی برای رسیدن به ساحل وجود دارد؟

در این بازی کودک علاوه بر اینکه به راه‌حل‌ها فکر می‌کند، باید درباره‌ی ایمنی افراد در این موقعیت‌ها صحبت کند.



به کودک بگویید برای پیدا کردن راه‌حل‌ها می‌توانی از راه‌های کسب اطلاعات مثل، کتاب، اینترنت و یا مشورت کردن استفاده کنی.
- برای حفظ جان افراد گروه در این موقعیت‌ها چه راه‌لهایی وجود دارد؟

- در انتخاب هر کدام از راه‌حل‌ها چطور تصمیم می‌گرفتی؟
- می‌شود در این راه‌حل‌ها از نظر اعضای گروه هم استفاده کرد؟
- در زندگی واقعی برای حفظ افراد از اتفاقات بد بیمه وجود دارد. در مورد بیمه چقدر اطلاعات داری؟
- برای آشنایی بیشتر با بیمه‌ها از راه‌های کسب اطلاعات استفاده کن و یک بیمه را به من معرفی کن.

بازخورد
از کودک

در جستجوی گنج

زمان مورد نیاز: ۴۵ دقیقه

بازی شماره ۳

- ایجاد هیجان مثبت؛
- ارتقای ارتباط موثر والد- کودک؛
- ارتقای خلاقیت کودک؛
- ارتقای مهارت استفاده از اطلاعات؛



وسایل مورد نیاز



یک جایزه برای کودک



کاغذ یادداشت

همچنین وسیله‌ای در منزل که امکان پنهان کردن داشته باشد.

اجرا

بچه‌ها عاشق پیدا کردن اشیای گمشده هستند، به‌خصوص وقتی پای یک جایزه هم در میان باشد. به کودک بگویید شما یک وسیله‌ای را پنهان می‌کنید و در جاهای مختلف منزل برای او سرنخ‌هایی می‌گذارید تا با استفاده از آن‌ها به هدف برسد. خلاقیت داشته باشید. نشانه‌هایی را از آنچه پنهان کرده‌اید را در جاهای مختلف منزل قرار دهید.

با یادداشت‌هایی، کودک را راهنمایی کنید. فرض کنید اگر این وسیله، جواب یک بیست‌سؤالی بود، چه سؤالاتی کودک را به هدف می‌رساند. اولین نشانه را جایی بگذارید که پیدا کردنش راحت باشد، مثلاً در ظرف غذای کودک.

سپس بقیه‌ی نشانه‌ها را در جاهای دیگر خانه مخفی کنید و مسیری را برای رسیدن به آخرین شیء پنهان ترسیم کنید. به جای جایزه می‌توانید چند سکه در اطراف خانه مخفی کنید. با این کار هم بچه‌ها سرگرم می‌شوند هم اگر برنده شوند می‌توانند سکه‌ها را در قلکشان ببندازند.



- با کدام یک از نشانه‌ها توانستی راحت‌تر به جواب برسی؟

- آیا اطلاعات را در آخر کنار هم چیدی تا به جواب برسی؟

- به نظر تو چه نشانه‌های دیگری می‌شد برای پیدا کردن آن برای تو گذاشت؟

بازخورد
از کودک

صندلی داغ

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

بازی شماره ۴

- ارتقای مهارت خودآگاهی؛
- آگاهی کودک از ویژگی‌های مثبت خود؛
- آگاهی کودک از ویژگی‌های خوب والد؛
- ارتقای ارتباط موثر مادر و کودک و یا پدر و کودک یا کودک با والدین؛
- آگاهی از حق داشتن هویت شخصی برای هر فرد؛



وسایل مورد نیاز



صندلی



اجرا

به کودک بگویید بازی صندلی داغ انجام خواهیم داد و انقدر باید برای سؤالها جواب پیدا کنی و بنشینی که حسابی داغ شود و نفر بعدی فرصت کمتری برای جواب دادن داشته باشد. چون صندلی داغ می‌سوزاند.

ممکن است تمام اعضای خانواده فرصت بازی داشته باشند. در صورت عدم امکان حضور همه، حداقل دو نفر باید باشند. نوبتی روی صندلی بنشینید و سوال بپرسید. فرد روی صندلی تا می‌تواند باید سعی کند جواب پیدا کند تا بیشتر روی صندلی بنشیند. در هر بار نشستن یک سوال پرسیده می‌شود و فرد تا وقتی که جواب دارد، می‌تواند بنشیند. سؤالها به این صورت است:

- ویژگی‌های مثبت خودت را بگو؛
- ویژگی‌های مثبت من را بگو؛
- وسایل موردعلاقهات را نام ببر؛
- وسایل موردعلاقه‌ی من را نام ببر؛
- آنچه باعث می‌شود خجالت بکشی را نام ببر؛
- چیزهایی که فکر می‌کنی باعث می‌شود من خجالت بکشم را نام ببر؛
- سؤالهای دیگری را در مورد ویژگی‌های کودک خود طراحی و آماده کنید.

بازخورد
از کودک

- چقدر در پیدا کردن جوابها در مورد خودت دچار مشکل شدی؟
- در مورد ویژگی‌های مربوط به من چطور؟
- در مورد چیزها و فعالیت‌های موردعلاقهات مطمئن هستی؟
- می‌توانی یک لیست از پاسخ این سؤالات را آماده کنی تا بتوانی بهتر خودت و من را بشناسی؟
- یکی از هم‌کلاسی‌هایت را در نظر بگیر و به من بگو چه تفاوت‌هایی با هم دارید؟

می‌خوام به ماه سفر کنم

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

بازی شماره ۵

- ارتقای مهارت بارش فکری؛
- آموزش رعایت نوبت؛
- تقویت تفکر خلاق؛
- تقویت مهارت حل مسئله؛



اجرا

در این بازی که به صورت گروهی انجام می‌شود (حداقل سه نفر)، یک نفر به عنوان راهنما انتخاب می‌شود و می‌گوید می‌خواهم به ماه سفر کنم و رئیس فضاپیما گفته است می‌توانی با خودت یک سری وسایل بیآوری. البته نه هر وسیله‌ای و فقط یک سری وسایل خاص!

بدون اینکه سایر اعضا متوجه شوند، یک نفر که بازی از قبل برای او توضیح داده شده است، شروع می‌کند نام اشیایی را می‌گوید که با حرف اول اسمش شروع می‌شود. (مثلا علی می‌تواند: عینک، عصا، عود و ... ببرد) را می‌گوید و این بازی ادامه پیدا می‌کند تا سایر اعضا متوجه روند بازی شوند.

- به نظر خودت چقدر توانستی با گروه همراهی کنی؟

- قوانین بازی مثل رعایت نوبت و صبر در پاسخ‌دهی را چقدر رعایت کردی؟

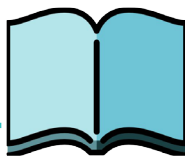
- برای رسیدن به جواب معما چه راه‌هایی را امتحان کردی؟

- چقدر برای رسیدن به جواب صبور بودی؟ فکر می‌کنی کافی بود؟

بازخورد
از کودک



دانشگاه



حاضر جوابی بلبل

روزی بود و روزگاری بود. یک باغبان با ذوق و خوش سلیقه بود که باغی سبز و خرم داشت و در آن گل‌های زیبا و خوشبو فراهم آورده بود و هر روز بامداد پیش از آفتاب در کنار چمن‌ها و گل‌ها قدم می‌زد و از بوی خوش گل‌ها و هوای تروتازه‌ی صبح و تماشای سبزه‌ها لذت می‌برد و از بس همیشه با نشاط و خنده‌رو بود دوستانش او را پیر زنده‌دل می‌نامیدند.

او عقیده داشت کسی که هر روز سحر از خواب برخیزد و چند دقیقه در هوای پاکیزه و با طراوت صبح در کنار گل و سبزه قدم بزند هرگز دلش پیر نمی‌شود و همیشه با نشاط و زنده‌دل و خوشحال خواهد بود. پیر زنده‌دل در میان گل‌های بسیاری که در باغ خود فراهم کرده بود به یک درخت گل سرخ که از همه‌ی گل‌ها زیباتر و خوش‌بوتر بود، خیلی علاقه داشت و هر روز دانه‌دانه گل‌های آن را تماشا می‌کرد و می‌بوید و می‌گفت: بلبل‌ها حق دارند که این‌قدر عاشق گل هستند، سبزه و گل صفای زندگی و مایه‌ی نشاط روح است.



در صبح یکی از روزها که هنوز هوا به‌خوبی روشن نشده بود باغبان بنا بر عادت همیشگی در باغ قدم می‌زد تا اینکه به درخت گل سرخ رسید و بلبلی را دید که روی یکی از شاخه‌ها نشسته و با نوک خود برگ‌های یکی از گل‌های زیبا را پس‌وپیش می‌کند و سر خود را در میان گل فرو می‌برد و چه چه می‌زند و آواز می‌خواند و خوشحال است که هم‌نشین گل است و در نتیجه گل سرخ پرپر می‌شود و می‌ریزد. باغبان قدری ایستاد، به آهنگ دلکش بلبل گوش داد و از تماشای خوشحالی بلبل در وصال گل خرسند شد اما از پرپر شدن گل دلش سوخت و چند لحظه طول کشید تا بلبل حضور باغبان را حس کرد و پرواز کرد.

روز بعد هم وقتی در هوای تاریک و روشن صبح به آنجا رسید باز بلبل را دید که یکی از گل‌ها را پریشان کرده و از بوی گل مست و غزل‌خوان شده. باز هم بلبل پرواز کرد و باغبان از اینکه بلبل یکی‌یکی گل‌های عزیزش را پرپر می‌کند، غمگین شد و با خود گفت: بلبل حق دارد گل را دوست بدارد اما گل برای تماشا کردن و بوییدن است نه برای پرپر کردن، اینکه نمی‌شود، هی من زحمت بکشم و گل پرورش دهم و هی بلبل بیاید آن را از هم بپاشد.

روز سوم هم باز بلبل را دید که با یک گل دیگر گرم گفت‌وگو و راز و نیاز است و برگ‌های آن گل هم به پای درخت فرو ریخته. دیگر باغبان از دست بلبل خشمگین شد و گفت: وقتی بلبل از آزادی سوءاستفاده می‌کند، سزایش قفس است. دامی و تله‌ای در میان درختان کار گذاشت و بلبل را گرفت و او را در قفس زندانی کرد و گفت: قدر آزادی ندانستی. حالا اینجا باش تا بفهمی که پریشان کردن گل‌ها یعنی چه؟

بلبل وقتی خود را در قفس محبوس دید اعتراض کرد و به باغبان گفت: ای دوست عزیز، من و تو هر دو دوست دار گل هستیم، تو گل را پرورش می‌دهی و باعث خوشحالی من می‌شوی. من هم پای گل سرود می‌خوانم و مایه‌ی دل‌خوشی تو می‌شوم و همان‌طور که تو آزادانه در گلستان گردش می‌کنی، من هم می‌خواهم آزاد باشم، سبب چیست که مرا زندانی کرده‌ای؟ اگر مقصودت شنیدن آواز من است که خود آشنانه‌ی من در گلستان تو است و شب و روز برایت نغمه‌سرای می‌کنم و اگر علت دیگری دارد، بگو تا من هم بدانم.

باغبان گفت: نغمه‌سرای می‌بجای خود اما تو روزگار مرا سیاه کرده‌ای و چند گل نازنین مرا آزاده‌ای، وقتی اختیارت دست خودت است، بی‌اختیار می‌شوی و گل‌ها را پریشان می‌کنی، سزایت همین است که در زندان قفس باشی و از سیر گلزار محروم باشی و این مکافات عمل تو است تا عبرت دیگران شود.

بلبل جواب داد: ای آدم بی‌انصاف! تو با حبس کردن من که نمی‌گذاری در گلزار

بگردم دل مرا شکستی و جانم را آزرده ساختی و آن وقت از مکافات عمل سخن می‌گویی، اما فکر نمی‌کنی اگر مکافات وجود داشته باشد، گناه تو از من بیشتر است، زیرا من گلی را پریشان می‌کنم و تو دلی را پریشان می‌کنی!

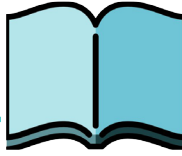
سخن بلبل در باغبان اثر کرد، از جواب او خوشش آمد و بلبل را از قفس آزاد کرد. بلبل بعد از اینکه آزاد شد، رفت روی شاخه‌ی گل نشست، به باغبان گفت: حالا که در حق من نیکویی کردی، من هم به تو نیکی می‌کنم؛ بدان که در زیر همین زمین که رویش ایستاده‌ای یک کوزه‌ی طلا پنهان است. بردار و خوش باش.

باغبان زمین را کند و حرف بلبل راست بود. به او گفت: خیلی تعجب می‌کنم که تو کوزه‌ی طلا را در زیر خاک می‌بینی اما چطور دمی که من برای تو گذاشتم را ندیدی و در آن گرفتار شدی؟

بلبل جواب داد: آری علتش دو چیز است: یکی اینکه، هر قدر کسی بینا و دانا باشد گاهی پیشامد و تصادف روزگار که نامش را قضا و قدر می‌گذارند، او را گرفتار می‌کند. دیگر اینکه، چون دوست دار کوزه‌ی طلا نیستم آن را می‌بینم و می‌گذرم اما چون دوست دار گل هستم در هوای عشق گل، دیده و گوش و هوش خود را از دست دادم و در میان درخت و گل به دام افتادم و همه چیز وقتی از اندازه خارج شد، مایه‌ی رنج است؛ حتی دوستی زیاد. بلبل این را گفت و باز به سراغ گل‌ها پرواز کرد.

- باغبان چرا بلبل را به دام انداخت؟
- آیا حق داشت آزادی بلبل را از او بگیرد؟
- بلبل دلیل به دردمس افتادنش را چه چیزی می‌دانست؟
- حق آزادی انسان‌ها و حیوانات را چقدر مهم می‌دانیم؟

بازخورد
از کودک



پیاده و سوار

روزی بود و روزگاری بود. یک مرد بزّاز بود که کارش جامه فروشی در دهات بود. هر چند وقت یکبار از شهر پارچه‌های گوناگون می‌خرید و به ده‌های اطراف می‌برد و می‌فروخت و باز به شهر می‌آمد. یک روز این بزّاز دوره‌گرد داشت از یک ده به ده دیگر می‌رفت که چندین فرسخ دور بود و وقتی از آبادی خارج شد به راه بیابانی رسید به مردی اسب‌سوار برخورد که آهسته‌آهسته از میان می‌رفت. مرد بزّاز که بسته‌ی پارچه‌ها را به دوش داشت، بسیار خسته شده بود و وقتی دید اسب‌سوار هم آرام‌آرام می‌رود و می‌تواند با هم همراهی کنند به سوار گفت: آقا من خیلی خسته شده‌ام و این کوله‌بار من هم بر دوشم سنگینی می‌کند. حالا که ما هر دو از یک راه می‌رویم، اگر ممکن باشد این بسته را نیم ساعتی روی اسب جلو خودت بگیری تا من از خستگی در بیایم از جوانمردی تو خوشحال و دعاگو خواهم شد.



سوار جواب داد: نمی‌دانم عذری که دارم چطور بگویم، حق با تو است که کمک به همنوع کار پسندیده‌ای است و ثواب هم دارد اما از این متأسفم که اسب من دیشب تیمار ندیده است و گاه و جو هر روزی را نخورده و چون تاب‌وتوان راه رفتن ندارد، بار گذاشتن روی او از بی‌انصافی است و می‌ترسم خدا را خوش نیاید.

مرد بزّاز گفت: بله حق با شماست و دیگر حرفی نزد. همین‌که چند قدم دیگر پیش رفتند، ناگهان از پشت یک بته خار کنار جاده خرگوشی بیرون دوید و پا به فرار گذاشت و رفت صد قدم دورتر نشست. اسب‌سوار وقتی خرگوش را دید، اسب خود را هی زد و بنا کرد دنبال خرگوش تاختن؛ خرگوش دوباره شروع کرد به دویدن، او از جلو و اسب‌سوار از دنبال او رفتند تا به قدر دو میدان از مرد پارچه‌فروش دور شدند.

مرد بزّاز وقتی دویدن اسب را دید به فکر افتاد و در دل گفت: چه خوب شد که سوار کوله‌بار مرا نگرفت وگرنه وقتی می‌خواست اسبش را بدواند، من نمی‌توانستم پیاده همراه او بروم و ممکن بود سوار هم به فکر بدی بیفتد و پارچه‌های مرا ببرد و دیگر دستم به او نرسد. اتفاقاً اسب‌سوار هم پس از اینکه مقداری رفته بود به همین فکر افتاد و با خود گفت: اسبی به این خوبی دارم که هیچ سواری هم نمی‌تواند به او برسد، خوب بود بسته‌ی بار بزّاز را می‌گرفتم و برمی‌داختم و می‌زدم به بیابان می‌رفتم.

سوار این فکر را کرد و سر اسب را برگرداند و آهسته‌آهسته برگشت تا به نزدیک مرد جامه فروش رسید و به او گفت: خیلی معذرت می‌خواهم، تو را تنها گذاختم و رفتم خرگوش بگیرم، آن هم قسمت نبود و نشد، راستی چون هنوز تا آبادی خیلی راه داریم، دلم راضی نشد تنها بروم و دیدم خدا را خوش نمی‌آید که تو پیاده و خسته باشی و من هم اسب داشته باشم و به تو کمک نکنم، حالا بسته‌ی پارچه را بده تا برایت بیاورم و خودت از خستگی دربیایی. اسب هم برای این ده من بار نمی‌میرد. به منزل می‌رسد و جو می‌خورد و خستگی از تنش در می‌رود.

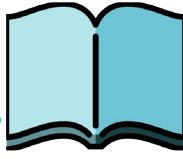
مرد بزّاز گفت: از لطف شما متشکرم اما دیگر راضی به زحمت شما نیستم، زیرا من اشتباه کرده بودم و بعد از پیدا شدن خرگوش و دویدن اسب، من هم درس خودم را یاد گرفتم که باید بار خودم را به دوش بکشم و اگر کمی خسته می‌شوم، در عوض خاطر من آسوده‌تر خواهد بود.

- چرا مرد بزّاز نگران اموالش شد؟

- آیا بهتر نبود از ابتدا این فکر را بکند تا ترس دزدیده شدن اموالش را نداشته باشد؟

- امروزه در مواقع دزدیده شدن اموال، چه سازمان‌هایی از افراد حمایت می‌کنند؟

بازخورد
از کودک



یک قطره عسل

یک روزی بود و یک روزگاری. یک مرد شکارچی بود که یک سگ شکاری تربیت شده داشت که به او کمک می‌کرد. سگ شکاری سگی بود لاغراندام با دست‌ها و پاهای باریک و بلند که از هر حیوانی تندتر می‌دوید و همین‌که شکارچی فرمان می‌داد، سگ خرگوش‌ها و آهوها را دنبال می‌کرد و آن‌ها را می‌گرفت و پیش صاحبش می‌آورد یا هر وقت شکارچی مرغی چیزی با تیر می‌زد، سگ می‌دوید و پیش از آنکه شکار بمیرد آن را نزد شکارچی می‌رسانید.

یک روز مرد شکارچی با سگش به شکار رفت و به دنبال آهوپی گذارشان به کوهستانی افتاد که خیلی سبز و خرم بود و در پستی‌ها و بلندی‌ها، درخت‌ها و گل‌ها و علف‌های فراوان روییده بود و در آن کوهستان به غاری رسیدند. شکارچی نگاه کرد دید در اطراف غار زنبورهای عسل در شکاف سنگ‌ها خانه دارند و این‌طور که معلوم است مدت‌هاست پای انسانی به آنجا نرسیده و عسل‌های زیادی جمع شده و لابه‌لای سنگ‌ها از عسل لبریز شده و از شکاف سنگ‌ها عسل جاری شده و روی خاک خشک می‌شود.

مرد شکارچی از دیدن این وضع بسیار خوشحال شد و با خود گفت: اگر هیچ‌کس دیگری گذرش به اینجا نیفتد تا مدتی از زحمت شکار راحت می‌شوم و هر روز می‌آیم قدری عسل به شهر می‌برم و می‌فروشم و با آن زندگی می‌کنم و تا مدت‌ها این عسل تمام نمی‌شود، زیرا دامنه‌ی کوه و صحرا پر از گل و سبزه است و زنبورها که در اینجا وطن دارند، خیلی زیاد هستند و کارشان هم ساختن عسل است. تنها مشکلی که در میان بود، هجوم زنبورها بود؛ اما در دنیا هیچ کاری بی‌زحمت نیست.

شکارچی لباس‌های خود را محکم بست و صورت خود را با پارچه‌ای پوشاند و با احتیاط کوزه‌ای را که برای آب همراه داشت از عسل پر کرد و به شهر برگشت و عسل را برای فروش به بازار برد و سگش هم همراهش بود. شکارچی به یک دکان بقالی

نزدیک شد و گفت: قدری عسل خالص دارم می‌خواهم بفروشم. مرد بقال کوزه‌ی عسل را گرفت و کمی از آن را چشید و گفت: آفرین بر تو و بر این عسل! من همیشه چند جور عسل موجود دارم، عسلی دارم که خودم آن را از دهات می‌آورم و تصفیه می‌کنم و موم آن را جدا می‌کنم و عسل خالص را می‌فروشم، عسل دیگری دارم که آن را با مومش از کندو خارج می‌کنند و می‌آورند و می‌خرم و همان‌طور با موم می‌فروشم، عسل دیگری هست که تصفیه شده می‌آورند و جداگانه خرید و فروش می‌کنم و گاهی شربت قند و مربا با آن مخلوط کرده‌اند و مشتری‌های عسل شناس آن را نمی‌پسندند، عسل‌های خالص هم که از همه‌ی آن‌ها بهتر است، از عطر و مزه‌ی آن معلوم است که خالص است و از ولایتی آمده که گل‌ها و گیاهان آن معطر بوده است. من آدم باانصافی هستم و این عسل را از قیمت فروش بهترین عسل‌هایم گران‌تر می‌خرم. فقط می‌خواهم قول بدهی که هرچه عسل داری همیشه برای من بیاوری. شکارچی خوش‌دل شد و گفت: بسیار خوب قول می‌دهم. من با هیچ‌کس دیگر صحبت نکرده‌ام و عسل هم بسیار دارم، اگر بدانم که عسل را به قیمت حسابی خریده‌ای و مرا مغبون نکرده‌ای، هر روز یک کوزه از همین عسل برایت می‌آورم. مرد بقال خوشحال شد و کوزه‌ی عسل را در ترازو گذاشت و آن را وزن کرد و بعد خواست عسل را در ظرف دیگری بریزد و کوزه‌ی خالی را هم بکشد و وزن خالص عسل را معلوم کند.



این بقال در دکان یک راسو داشت که آن را به جای گربه نگاه داشته بود تا موش‌های دکان را بگیرد و موقعی که می‌خواست عسل را در ظرف دیگر بریزد یک قطره عسل روزی زمین چکید و راسو که مواظب کار بقال بود، فوری جلو دوید تا عسل را از زمین بلیسد. در این هنگام سگ شکاری که همراه مرد شکارچی بود و از اول از دیدن راسو ناراحت شده بود به راسو حمله کرد و گردن راسو را گاز گرفت و خون از گردن راسو جاری شد. مرد بقال که به راسوی خودش خیلی علاقه داشت، از حمله‌ی سگ شکاری عصبانی شد و ناسزاگوینان دست دراز کرد و چوب را برداشت و با یک حرکت محکم بر فرق سگ کوبید و سگ گیج شد و بی‌هوش افتاد. مرد شکارچی که سگ خود را بسیار عزیز می‌داشت اوقاتش تلخ شد و کوزه‌ی عسل را برداشت و بر سر مرد بقال شکست. مرد بقال فریادی زد و از هوش رفت، همسایه‌ی روبروی بقال که این ماجرا را دیده بود بازاری‌ها را خبر کرد و گروهی اطراف مرد شکارچی را گرفتند و شروع کردند به کتک زدن و ناسزا گفتن. مرد شکارچی هم که خود را در برابر آن‌ها تنها دید، کارد شکاری خود را از کمر کشید و چند نفر را زخمی کرد و داد و فریاد بلند شد و در این حال پاسبان‌ها سر رسیدند و مرد شکارچی و چند نفر از بازاری‌ها را گرفتند و پیش داروغه بردند و گفتند: این مرد بازار را شلوغ کرده و این‌ها با او گلاویز بودند.

داروغه از یکی‌یکی تحقیق کرد و گفت: بروید ببینید مرد بقال زنده است یا نه. خبر آوردند که بقال سالم است، سرش کمی زخمی شده و چیزی نیست.

داروغه همه را پیش قاضی فرستاد و گفت: هرچه قاضی بزرگ رأی بدهد اجرا می‌شود. قاضی از مرد بقال و صیاد و همسایه‌ی بقال و دیگران سرگذشت دعوا را پرسید و بعد گفت: راسو حیوان است و می‌خواست یک قطره عسل بخورد، راسو را نمی‌توان مجازات کرد. سگ هم حیوان است و به راسو حمله کرده است، سگ را هم نمی‌توان مجازات کرد؛ اما مرد بقال اگر اندکی گذشت و صبر و تحمل داشت سگ را هلاک نمی‌کرد و اگر شکارچی هم اندکی گذشت و انصاف داشت، مرد بقال را نمی‌زد. چون تقصیر از خودش بوده که سگ شکاری را به بازار آورده. مردم هم به طرفداری از همسایه‌ی خود جمع شده‌اند و اگر مرد شکارچی را کتک زده‌اند به خیال خودشان از همسایه‌ی آشنای خود دفاع کرده‌اند و مرد شکارچی هم از ترسش کارد را کشیده و به خیال خودش از جان خود دفاع کرده. ما می‌توانیم همه را جریمه کنیم و مجازات کنیم، زیرا هرکدام وقتی ظلمی از کسی دیدند، باید به داروغه و حاکم مراجعه کنند و نباید خودشان اختلاف کوچک را بزرگ کنند. حالا آیا کسی شکایت دارد؟

از میان حاضران کسی حرفی نزد. قاضی گفت: گناه شما همه نادانی است و تا وقتی مردم بی‌سواد و نادان و عوام باشند، هر روز این چیزها پیدا می‌شود. اگر مردم همه باسواد و وظیفه‌شناس باشند، آن وقت شکارچی سگ شکاری را بی‌قید و بند به بازار نمی‌آورد و مرد بقال به جای گربه در دکان راسوی تربیت ناپذیر نگه نمی‌دارد و اگر سگی به راسویی حمله کند با چوب سگ را نمی‌کشد بلکه به قاضی مراجعه می‌کند و تاوان آن را می‌گیرد و دعوا تمام می‌شود و اگر سگی کشته شد یک انسان کوزه‌ای را بر سر انسان دیگر نمی‌کوبد بلکه به حاکم مراجعه می‌کند و قیمت سگ را مطالبه می‌کند. وقتی شهر داروغه و محتسب و حاکم و قاضی دارد، همه‌ی این اختلاف‌ها تا کوچک است حل می‌شود اما عیب بزرگ، جهل و نادانی است. این دعوا هم از یک قطره عسل شروع شده است و چون صیاد که باعث این فتنه بود سگش را از دست داده و کسی هم شکایتی ندارد همه را مرخص می‌کنم.

- اگر افراد وظیفه‌ی خود را در موقعیت‌های مختلف بدانند شهر ما چطور می‌شود؟

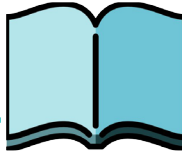
- اگر هر فردی بخواهد خودش دیگری را مجازات کند چه اتفاقی می‌افتد؟

- اگر در موقعیت همسایه‌ی بقال بودی چه کار می‌کردی؟

- به نظر تو حق با قاضی بود؟ سواد می‌تواند باعث وظیفه‌شناسی شود؟

- به نظر تو یک شهروند خوب اگر در این داستان در بازار حضور داشت چه کار می‌کرد؟

بازخورد
از کودک



کلاس ششمی مسئولیت‌پذیر

امروز روز جالب و هیجان‌انگیزی در مدرسه خواهد بود. قرار است مدرسه را من و دوستانم اداره کنیم. خیلی‌ها داوطلب شده بودند، ولی قرعه‌کشی تکلیف را در نهایت معلوم کرد. خیلی خوشحالم که اسم من هم جزء اسامی درآمده است. امروز هر کس یک نقشی را به عهده خواهد گرفت. مدیر مدرسه‌مان، بلندگو به دست روی سکو ایستاده و با دانش‌آموزان صحبت می‌کند. او اسکندری خودمان است. بعد از تمام شدن صحبت‌های مدیر، معاون پرورشی روی سکو می‌آید و برنامه‌ی صبحگاهی را اعلام می‌کند. سهرابی، معاون پرورشی مدرسه هم هم‌کلاسیم است. مراسم خواندن قرآن و سرود ملی با انتخاب یکی از دانش‌آموزان، توسط معاون پرورشی انجام می‌شود. دانش‌آموزان برای شروع یک روز تازه‌ی تحصیلی با صف منظمی به کلاس می‌روند. در کلاس ریاضی، فاطمی معلم ریاضی است. او درس جدیدی را به دانش‌آموزان روی تخته یاد می‌دهد. بچه‌ها هم گهگاه سؤال‌هایی از او می‌پرسند. چند نفر از بچه‌ها یادشان می‌رود هم‌کلاسی‌شان حالا معلمشان است. موقع پرسیدن سوال، وقتی او را فاطمی صدا می‌کنند با هم می‌زنند زیر خنده، اما فاطمی خیلی جدی کلاس را ساکت می‌کند و جواب سؤال‌ها را می‌دهد. در کلاس قرآن، بچه‌ها مشغول انجام کار گروهی مربوط به فهم قرآن هستند. رحمتی حین فعالیت بچه‌ها، سوره‌ی فیل را توضیح می‌دهد. همیشه قرآن او خوب بوده و الان هم به‌عنوان معلم قرآن سر کلاس حاضر شده است. زنگ تفریح زده شده است و معلم‌ها برای استراحت به دفتر آمده‌اند. رستمیان و ابراهیم‌زاده مسئولان آبدارخانه هستند. آن‌ها صبحانه را آماده می‌کنند. آن طرف دفتر، فاطمی از سختی کارش تعریف می‌کند. او می‌گوید: سختی کار این است که بعضی بچه‌ها چون من هم سن و سال خودشان هستم، حرفم را گوش نمی‌کنند. کاش می‌توانستم همین الان استعفا می‌دادم.

من می‌گویم مگر به همین راحتی است. مسئولیت قبول کرده‌ای باید تا آخر و به نحو احسن کارت را انجام بدهی. حق جا زدن نداری.

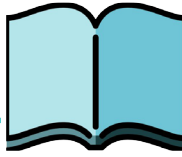
ابراهیم‌زاده هم که مشغول چیدن میز صبحانه است می‌گوید: آره والله اگر بگذارند من هم استعفا می‌دهم.

رحمتی می‌خندد و می‌گوید: ولی واقعا برای من تجربه‌ی خوبی بود و تازه فهمیدم معلمی را خیلی دوست دارم. چون معلمی، شغل پیامبران است و همین حس خوبی به من می‌دهد.

این‌طرف دفتر، مدیر، مشغول توضیح دادن برنامه‌های جدید مدرسه به یکی از معلم‌هاست. مقصودی، ناظم مدرسه است. کار او نظارت بر نظم کلاس و حیاط و همچنین ورود و خروج دانش‌آموزان است. از نظر او کار مدیریتی توان بالایی می‌خواهد. با تمام شدن زنگ تفریح و رفتن دانش‌آموزان سر کلاس بعدی، کار ما هم تمام شده است و باید سر کلاس‌مان حاضر شویم. من امروز نقش گزارشگر را ایفا می‌کردم و از حال و هوای مدرسه‌مان گزارش و عکس تهیه کردم. به نظرم گزارشگری هم مسئولیت سختی است. باید همه‌چیز را درست ثبت کنم تا حق کسی ضایع نشود. قرار است این گزارش را به خانم تقی‌زاده ارائه کنم. او بسیار معلم خوبی است و به ما کمک کرد امروز در مدرسه نقش‌های مختلفی داشته باشیم. او معتقد است هرکسی باید فرصت برابر داشته باشد تا توان خود را شکوفا کند. او به ما از سوره‌ی قریش یاد داد که چطور مسئولیت‌پذیر باشیم و نقش‌های متفاوت را تجربه کنیم و خدا را شکر کنیم به خاطر این نقش‌های مختلفی که در ارتباط ما انسان‌ها با هم به وجود آورده است. ما امروز فهمیدیم معلم و مدیر و ناظم و دیگر مسئولان، چقدر در مدرسه زحمت می‌کشند. ما یاد گرفتیم درست خدمت کردن چقدر با اهمیت و ارزشمند است. فرقی ندارد آبدارچی باشیم یا معلم و یا مدیر، فقط مهم این است که چطور متعهدانه و دلسوزانه از عهده‌ی مسئولیت خودمان برپاییم.

- تو هم دوست داری همراه دوستانت مسئولیت یک روز مدرسه را به عهده بگیری؟
- تا حالا چه مسئولیت‌هایی را در خانه و مدرسه داشته‌ای و چگونه از عهده‌ی انجامشان برآمده‌ای؟
- اگر کسی از قبول مسئولیت یا به سرانجام رساندن کار خود خودداری کند، چه بر سر جامعه می‌آید؟
- اگر روزی مسئول یک سازمان یا نهاد بشوی فکر می‌کنی در برابر مردم چه وظایفی داری؟

بازخورد
از کودک



نماز جماعت به یادماندنی

سلام نماز جماعت را که دادند، ابراهیم چشمش به آن پنج نفر افتاد. باز هم در نماز جماعت شرکت نکرده بودند. اهل کندوکاو نبود اما در همین چند روز متوجه شده بود که آن‌ها نماز نمی‌خوانند. به دوستانش قبول باشد گفت و از جا بلند شد. همان‌طور که به سمتشان می‌رفت، در دلش از خدا خواست کمکش کند تا با آن‌ها خوب ارتباط برقرار کند و بتواند نمازخوانشان کند. حیفش آمد در جمع مجاهدان جبهه، نقصی به این مهمی وجود داشته باشد. وقتی به آن‌ها رسید با لبخند گفت: خدا قوت برادران، چیزی کم و کسر ندارید؟ حواس آن‌ها جمع ابراهیم شد. گفتند: نه ممنون.

ابراهیم با همان لبخند ادامه داد: خب الحمدالله... برادران، شما دوست ندارید تعداد نمازخوان‌ها بیشتر باشد تا ثواب نماز جماعتمان هم بیشتر بشود؟ آن پنج نفر نگاهی به یکدیگر انداختند و سرشان را پایین انداختند. یکی از آن‌ها گفت: چرا اتفاقاً خیلی دوست داریم ... اما راستش را بخواهی، نمازخواندن بلد نیستیم! در روستای ما کسی سواد ندارد و بیشتر جوان‌ها نماز خواندن بلد نیستند. ابراهیم تازه متوجه شد که علت شرکت نکردنشان در نماز جماعت چیست. او معتقد بود هرکسی باید فرصت برابر داشته باشد و از سوادآموزی و علم‌آموزی دور نماند. سریع گفت: هیچ اشکالی ندارد. ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. اگر دوست دارید خودم کمکتان می‌کنم تا نماز یاد بگیرید.

یکی دیگر از آن‌ها با لبخند گفت: ما که از خدا می‌خواهیم. ابراهیم جواب داد: پس یا علی. ابراهیم وضو گرفتن را به آن‌ها یاد داد و بعد از اینکه همگی وضو گرفتند، یکی از دوستانش را صدا زد. رو به آن پنج نفر کرد و گفت: این دوست ما جلو می‌ایستد و هر کاری انجام داد شما همان را انجام دهید. من هم وسط شما می‌ایستم و ذکرهای نماز را بلند بلند می‌خوانم و شما تکرار کنید... به همین راحتی. بچه‌ها به‌صاف ایستادند

و نماز شروع شد. وسط نماز دوست ابراهیم که امام جماعت شده بود، یک لحظه دستش را بالا آورد و سرش را خاراند؛ همان موقع آن پنج نفر هم دستشان را بالا آوردند و سرشان را خاراندند.

ابراهیم خندهاش گرفت اما زود خودش را کنترل کرد و بقیه‌ی ذکرها را گفت. کمی بعد وقتی دوستش از سجده بلند شد، مهر به پیشانی‌اش چسبیده بود و به زمین افتاد. او دستش را به سمت چپ دراز کرد تا مهر را بردارد، اما باز هم آن پنج نفر به تقلید از او دستشان را به سمت چپ دراز کردند. ابراهیم این بار دیگر نتوانست خندهاش

را کنترل کند و ذکر گفتنش برای لحظاتی متوقف شد. خاطره‌ی آن روز از یاد هیچ کدامشان نرفت و هر وقت به یاد آن نماز می‌افتادند، می‌خندیدند.

بالاخره با تلاش ابراهیم آن پنج نفر نمازخوان شدند و بعداً هم دوستی‌شان ادامه پیدا کرد. از همه مهم‌تر ابراهیم به جمع آن‌ها کمک کرد تا با برطرف کردن نقطه ضعفشان، بیش از پیش مورد توجه و رضایت خداوند قرار بگیرند و بهتر از گذشته با دشمن بجنگند.



- چرا شهید ابراهیم هادی به دوستانش کمک کرد تا نماز خواندن را یاد بگیرند؟

- تو برای یادگیری علم و مهارت، به کجا می‌روی؟

- آیا در مدرسه‌ی شما همه به یک اندازه از امکانات تحصیلی برخوردارند؟

- اگر نتوانی در جای خوب و مناسب تحصیل کنی چه احساسی داری؟

- آیا امکانات مهم‌ترین یا اراده و خواست فرد برای رسیدن به اهدافش؟

بازخورد
از کودک



نقاشی



نقاشی شماره ۱: نوبت رو رعایت کنیم!

اهداف

- آگاهی از اهمیت رعایت نوبت در جامعه؛
- ارتقای مهارت و آداب معاشرت در اجتماع؛
- آموزش حس همدلی و همدردی جمعی؛



زمان مورد نیاز: ۵۰ دقیقه

اجرا

به کودک بگویید یک نقاشی بکشد و در آن صف اتوبوس منظمی را ترسیم کند. سپس در مورد اینکه اگر کسی نوبت خود را در صف رعایت نکند، چه اتفاقی خواهد افتاد، با کودک خود صحبت کنید.



مواردی که می‌توانیم به دیگران اجازه دهیم جلوتر از ما سوار اتوبوس شوند یا خرید کنند، کدام‌ها هستند؟
- اگر در صف کسی نوبت شما را رعایت نکند، چطور باید این را بیان کنید؟
- در موقعیت‌هایی مثل صف اتوبوس یا صف خرید در فروشگاه یک شهروند نمونه چه رفتاری دارد؟

بازخورد
از کودک



نقاشی شماره ۲: انتخابات

اهداف

- آگاهی از نقش داشتن در تعیین سرنوشت خود و دیگران؛
- آموزش جرات‌مندی و ابراز عقاید و افکار خود؛
- استفاده از حق انتخاب خود؛



زمان مورد نیاز: ۴۵ دقیقه

اجرا

به کودک بگویید یک نقاشی بکشد که یک انتخابات را نشان می‌دهد و در مورد انتخابات و حق رأی و انتخاب هر شهروند با او صحبت کنید.



- تا به حال در کلاس اتفاق افتاده است که برای یک تصمیم‌گیری رأی‌گیری کنید؟
- فکر می‌کنی چرا رأی‌گیری می‌کنند؟
- اگر لازم باشد نظر خودت را در مورد یک موضوع بگویی راحت صحبت می‌کنی؟
- فکر می‌کنی چرا شرکت در انتخابات مهم است؟

بازخورد
از کودک



اهداف

- آشنایی کودک با موضوع جنگ و جنگ تحمیلی ایران؛
- آشنایی کودک با وظیفه‌ی دفاع از کشور به‌عنوان یک شهروند؛
- آشنایی کودک از حق امنیت به‌عنوان یک شهروند؛
- ایجاد انگیزه در کودک برای آشنایی با شهدا به‌عنوان شهروندان نمونه؛



زمان مورد نیاز: ۵۰ دقیقه

اجرا

به کودک بگویید در مورد زندگی یک شهید تحقیق کند و داستان زندگی او را برای شما تعریف کند و تصویری در مورد او نقاشی کند.

- فرق جنگ با جنگ تحمیلی چیست؟
- شهروندان یک کشور جنگ‌زده چه وظایفی دارند؟
- فکر می‌کنی این شهید که در مورد او نقاشی کشیده‌ای، چه احساسی داشت؟
- برای احساس امنیت همشهری‌های خودمان امروز من و تو چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟

بازخورد
از کودک



نقاشی شماره ۴: داستان من!

اهداف

- درونی شدن هدف اصلی داستان مدنظر؛
- عینی‌تر شدن صحنه‌ها و اتفاقات داستان برای کودک؛
- افزایش و پرورش خلاقیت در کودک؛



زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

اجرا

یکی از داستان‌ها را کودک انتخاب کرده و نقاشی کند. بعد از پایان کارش داستان را برای شما یا فردی دیگر تعریف کند.

- داستانی که آن را نقاشی کردی چرا انتخاب کردی؟

- در این داستان چه چیزی می‌خواستیم یاد بگیریم؟

- می‌توانی داستان این کتاب قصه‌ای که درست کردی را برای یکی از دوستانت تعریف کنی و نظر او را در مورد کتابت بپرسی.

بازخورد
از کودک



نقاشی شماره ۵: کره‌ی زمین

اهداف

- تقویت بارش فکری؛
- تقویت قدرت تفکر خلاق؛
- ارتقای مهارت همفکری و کار گروهی؛
- احترام به حقوق یکدیگر؛
- آشنایی با قوم‌ها و افراد مختلف؛



زمان مورد نیاز: ۶۰ دقیقه

اجرا

یک کاغذ که اندازه‌ی کاغذ به نحوی باشد که همه‌ی افراد بتوانند کنار آن بنشینند و فعالیت کنند، تهیه نمایید (برای این کار می‌توانید چند کاغذ را به هم بچسبانید). کودکان با کمک والدین کره‌ی زمین را بکشند و سپس با آبرنگ یا مداد رنگی آن را رنگ کنند.

بعد از آن از کودکان بپرسید در محله، شهر، کشور و جهان چه کسانی را می‌شناسی که با تو متفاوت بوده‌اند؟ مثلاً رنگ پوستشان، نوع لهجه و گویششان، سبک لباس پوشیدنشان و غیره. از او بخواهید کمی فکر کند و افرادی که با شکل و ظاهر مختلف را دیده‌اند کنار هم نقاشی بکشند؛ مثلاً آدم‌ها با رنگ صورت‌های مختلف، دختر یا پسر، چاق و لاغر، بزرگ و کوچک و با بارش فکری هر چه به ذهن کودکان رسید را بکشند.

در ادامه لازم است والدین به کودکان بگویند انسان‌ها در عین تفاوت‌هایی که دارند، باید حقوق همه‌ی آن‌ها در محله و شهر رعایت شود و کسی حق تجاوز به حقوق آن‌ها را به دلیل متفاوت بودنشان ندارد. حقوق شهروندی باید برای همه‌ی افراد یکسان باشد و ما هم به‌عنوان شهروندان این شهر و کشور وظیفه‌داریم به آن‌ها احترام بگذاریم و اگر کاری از دستان برآمد برایشان انجام دهیم.



- در اطرافت چه کسانی را دیدی که با تو فرق دارند؟ چه فرقهایی با تو داشته‌اند؟
 - اگر تو هم در جایی بودی که احساس متفاوت بودن می‌کردی، دوست داشتنی اطرافیان با شما چه رفتاری کنند؟
 - رعایت حقوق شهروندی از نظر شما چقدر مهم است؟

بازخورد
از کودک



سویڈن سٹیڈیا



۱- زایرا گل می‌چیند!

پویانمایی کوتاه صامتی درباره‌ی داستان زایرا است. دختری که در سرزمینی جنگ‌زده زندگی می‌کند و دوستش را از دست‌داده و مدام به فکر اوست تا اینکه خودش نیز در بمباران از دنیا می‌رود و روحش در آن دنیا به دوستش می‌رسد و با هم ملاقات می‌کنند. این پویانمایی حاوی خشونت و صحنه‌ی بمباران شدن و مرگ شخصیت اصلی است؛ اما به‌جای نمایش خونریزی، پرواز روح دختر بچه نمایش داده می‌شود که فضا را تلطیف می‌کند. پیام نهایی این اثر تقبیح جنگ و خشونت با نمایش قربانیان آن است.



۶ دقیقه

گفت‌وگوی قبل از تماشا

مفهوم جنگ و کشورهای جنگ‌زده مهم‌ترین مفهوم این پویانمایی کوتاه است؛ بنابراین سعی کنید ذهنیت کودک خود را در این‌باره آماده و درباره‌ی علل جنگ‌ها و پیامدهای آن صحبت کنید. کودک شما ممکن است درگیر احساسات زایرا شود.

در این باره با او گفت‌وگو کنید. در این پویانمایی صحنه‌ی بمباران به نمایش گذاشته می‌شود و شاهد صحنه‌هایی از مجروحیت و مرگ، بر اثر بمباران هستیم، اگر کودکان روحیه‌ی حساسی دارد یا هنوز با این مفاهیم مواجه نشده، لازم است از قبل برای او آمادگی ذهنی ایجاد کنید. دوست زایرا که زایرا مدام به یاد اوست و از دنیا رفته، پسر است؛ بنابراین اگر فرزند شما نزدیک سن نوجوانی باشد و شما محدودیت‌های جنسیتی را تاکنون رعایت کرده باشید، ممکن است در این باره دچار ابهام شود. همچنین در صحنه‌ی آخر و پس از مرگ زایرا که روح او با دوستش ملاقات می‌کند نیز، ممکن است سؤالاتی درباره‌ی روح، دنیای پس از مرگ و ... ایجاد شود.



گفت‌وگوی بعد از تماشا

- درباره‌ی مفهوم، علت و پیامدهای جنگ و کشورهای جنگ‌زده با کودک خود صحبت کنید.
- می‌توانید درباره‌ی نحوه‌ی درست رفتار پس از مرگ عزیزان نیز، گفت‌وگویی داشته باشید.
- درباره‌ی دنیای پس از مرگ و روح در حد فهم فرزندتان با او گفت‌وگو کنید.



برای دانلود انیمیشن، این رمزبانه را با دوربین گوشی اسکن نمایید.



۲- بابا لنگ‌دراز

سریال پویانمایی بابا لنگ‌دراز بر اساس رمانی به همین نام، نوشته‌ی جین وبستر ساخته شده است. جودی ابوت، دختری که برای رفتن به دبیرستان انتخاب شده است، برای بابا لنگ‌دراز، قیّم قانونی‌اش، نامه می‌نویسد و ماجراهایی که برایش رخ داده را برای آقای جان اسمیت تعریف می‌کند. او دختری خلاق و با انگیزه است که با ذوق، تجربه‌های جدید را می‌پذیرد. این داستان، الگو و پیام مثبت قابل‌توجهی دارد.



۲۲ دقیقه

گفت‌وگوی قبل از تماشا

جودی ابوت با نظر بابا لنگ‌دراز برای رفتن به دبیرستان انتخاب می‌شود و نوانخانه را به مقصد دبیرستان ترک می‌کند. هر قسمت بر اساس نامه‌ای که جودی برای بابا لنگ‌دراز نوشته، پیش می‌رود. این سریال پویانمایی از روی کتابی به همین نام از جین وبستر ساخته شده است.

توصیه می‌شود قبل از تماشای این سریال، فرزندان را به خواندن داستان بابا لنگ‌دراز که نامه‌های جودی به آقای اسمیت است، ترغیب کنید؛ زیرا پیش از دیدن فیلم و سریال آن، فرزندان بهتر می‌تواند تخیل کند و با خلاقیت خودش فضای داستانی را تصور کند و بعد از مطالعه‌اش اگر پویانمایی آن را دید، تخیلاتش را با اثر تصویری ساخته شده تطابق دهد.

این سریال پویانمایی، الگو و پیام مثبت قابل‌توجهی دارد که می‌تواند برای فرزندان مفید باشد و به او برای هدفمند شدن در زندگی، قدردان بودن از دیگران و شاد بودن در هر شرایطی کمک کند.

می‌توانید به فرزندان پیشنهاد دهید همان‌گونه که جودی هر از گاهی برای بابا لنگ‌دراز، نامه‌ای می‌فرستاد و از اوضاعش به او خبر می‌داد، او هم گاهی احساسات و خاطراتش را بنویسد تا نسبت به احساساتش آگاهی بیشتری پیدا کند و رفتارش را در هر شرایطی بازبینی کند.

این کار به فرزندان کمک می‌کند تا بتواند بهتر از قبل مسائلش را شناسایی کند، نوشتارش را تقویت کند و یک آرشیو ارزشمند از روزهای زندگی‌اش داشته باشد. توجه داشته باشید که محدوده‌ی شخصی فرزندان را به رسمیت بشناسید و تا خودش از شما نخواست، داستان‌هایش را نخوانید.

اعتماد فرزندان با این به رسمیت شناختن تقویت می‌شود و این مهم‌ترین دارایی است. نکته‌ی قابل‌توجه این داستان این است که تنهایی و شرایط سختی که برای جودی ایجاد می‌شود، همراه با غم و احساس‌های غم‌انگیز است.

البته حل شدن مسئله و پیدا کردن راه‌حل مواجهه با موضوع، این حس را کم‌رنگ می‌کند و روایت طنز این پویانمایی، از شدت غم آن می‌کاهد؛ اما در هر حال توصیه می‌شود در کنار فرزندان باشید و بگذارید احساس غمش را از درک احساس جودی برایتان شرح دهد. این کار کمک می‌کند تا بتواند درباره‌ی غم‌های خودش نیز با شما گفت‌وگو کند. در شنیدن صحبت‌ها و احساسات فرزندان صبور و فعال باشید تا مثل همیشه برایش نقطه‌ی اتکای امنی باشید.



گفت‌وگوی بعد از تماشا

- از فرزندان بپرسید نسبت به کسانی که به هر دلیلی در نوانخانه زندگی می‌کنند چه احساسی دارد؟
- آیا آن‌ها را متفاوت از خودش می‌بیند یا دوست دارد با آن‌ها دوست باشد؟
- آیا می‌تواند شرایط آن‌ها را درک کند؟
- درباره‌ی مسائلی که در هر قسمت برای جودی ایجاد می‌شود با فرزندان گفت‌وگو کنید.
- آیا می‌تواند تصور کند برای کسی که تابه‌حال او را ندیده نامه بنویسد؟
- درباره‌ی رفتار جودی، جولیا و سالی با فرزندان گفت‌وگو کنید و از او بخواهید نظرش را درباره‌ی رفتار آن‌ها بگوید.





۳- پاندای کنگ‌فو کار: پنجه‌های سرنوشت

لازم است بدانید این سریال انیمیشنی از سیر پیچیده و سختی برخوردار است و محوریت اصلی آن بر درگیری و خشونت‌های متعددی است که به دلیل ذات ماجرای داستان، از فیلم جدایی ناپذیر است؛ بنابراین خوب است تا هنگام مشاهده‌ی این سریال در کنار فرزندتان باشید تا از برخی پیچیدگی‌ها، ابهام‌زدایی کنید. همچنین دوبله‌ی این پویانمایی به نظر می‌رسد ضعیف و سخیف است. به‌ویژه در قسمت دوم از موسیقی‌های غیرمجاز و مجاز ایرانی، به‌صورت بی‌ربط استفاده شده است. سعی کنید از دوبله‌ی مناسبی برای مشاهده‌ی فیلم استفاده کنید. روابط استاد و شاگردی در این پویانمایی به‌خوبی دیده می‌شود. همچنین تأکید بر مقاومت و همکاری برای شکست دشمن نیز از جمله پیام‌های مثبت این پویانمایی است.



۲۶ دقیقه

گفت‌وگویی قبل از تماشا

این سریال انیمیشنی که جدیدترین سری سریال‌های پاندای کنگ‌فوکار است، داستان درگیری‌های عقاب اهریمنی با استاد پو و چهار بچه پاندای کنگ‌فوکار است که به‌طور اتفاقی از قدرت ویژه‌ای به نام قدرت چی بهره‌مند می‌شوند. عقاب اهریمنی می‌خواهد همه‌ی قدرت‌های چی در جهان را به دست آورد تا سلطه‌ی اهریمنی بر همه‌ی جهان داشته باشد. در هر قسمت ما شاهد درگیری‌های عقاب اهریمنی با پانداها هستیم. عقاب اهریمنی در یکی از پانداها به نام جینگ نفوذ می‌کند و از طریق او قصد دارد قدرت چی پو و سه پاندای دیگر را بگیرد. در این پویانمایی صحنه‌های خشونت‌آمیز بسیار دیده می‌شود؛ اما کم‌دی بودن آن از شدت خشونت می‌کاهد.



گفت‌وگوی بعد از تماشا

- این پویانمایی تأکید محوری بر جهان مبتنی بر جادو دارد. لازم است حتماً در این باره با کودک خود صحبت کنید. درباره‌ی اصول و اندیشه‌های جهان‌بینی خودتان با کودک صحبت کنید و عدم واقعیت این نیروها را به او گوشزد کنید.
- سیر داستانی این سریال بسیار پیچیده است، از کودک خود بخواهید داستان را برای شما تعریف کند تا از فهم او درباره‌ی درستی داستان مطمئن شوید.
- محتوای خشونت‌آمیز داستان این سریال با نیروهای ماورایی آمیخته شده است، از کودک خود بپرسید به نظر او چنین مبارزه‌هایی در دنیای حقیقی امکان‌پذیر است یا خیر؟
- از کودک خود بپرسید دوست دارد به‌جای کدام‌یک از شخصیت‌های پویانمایی باشد؟ علت را نیز جویا شوید.
- ممکن است فرزندان به خاطر نیروهای فوق‌العاده‌ی برخی کاراکترها بخواهد خودش را جای آن‌ها بگذارد؛ اما شما سعی کنید بر ویژگی‌های ذاتی و معمول الگوهای مثبت مثل تلاش، احترام، همکاری و... تأکید کنید.
- درباره‌ی ویژگی‌های بد عقاب اهریمنی و اینکه چه چیزی باعث شده است تا شخصیت او منفور باشد، با کودک خود گفت‌وگو کنید.



برای دانلود انیمیشن، این رمزینه را با دوربین گوشی اسکن نمایید.



۴- آدم خانگی

خانم مرضیه ابرار پایدار پویانمایی کوتاه آدم خانگی را در سال ۱۳۹۶، در ایران ساخته است. این پویانمایی موفق به کسب جایزه‌ی ویژه‌ی آسو آکسوف فیلم‌ساز مشهور اهل مقدونیه در زمینه‌ی پویانمایی شد. این فیلم ضمن نمایش در بیش از بیست جشنواره‌ی جهانی، موفق به کسب چهار جایزه‌ی بین‌المللی از جشنواره‌های کانتربری انگلیس، لارگو سوئیس، NEZ هند و Golden Kuger بلغارستان شده است. موضوع این پویانمایی در رابطه با آزار و اذیت انسان‌ها نسبت به حیوانات است و این مفهوم به زیبایی در این پویانمایی ترسیم شده است.



۱ دقیقه

گفت‌وگوی قبل از تماشا

این پویانمایی درباره‌ی آسیب‌رساندن به حیوانات و عواقب شوم آن است. البته این محصول حاوی صحنه‌های ترسناکی است که ممکن است در روحیه و ذهن فرزندان تأثیر بگذارد.

حتماً قبل از فرزندان، یکبار پویانمایی را ببینید تا اگر مناسب فرزندان بود، برای او به نمایش بگذارید. در کنار این صحنه‌های ترسناک، مفهوم قابل‌تأملی هم در پویانمایی نهفته شده است؛ حتماً با فرزندان در این باره و درباره‌ی آسیب‌رساندن به حیوانات و عواقب آن گفت‌وگو کنید.

با فرزندان به پارک بروید و به حیوانات غذا دهید. ترجیحاً این کار را به او بسپارید تا هم احساس مسئولیت کند و هم متوجه اهمیت این کار شود. می‌توانید او را به باغ‌وحش ببرید و با او درباره‌ی حیوانات صحبت کنید یا مستندی در این باره به او نشان دهید. سعی کنید کارهایی را که مورد علاقه فرزندان است، با تم حیوانات در اختیارش بگذارید تا ارزش حیوانات را بیشتر متوجه شود. همچنین درباره‌ی چرخه‌ی طبیعت و حیوانات نادر با او صحبت کنید. می‌توانید کتاب‌هایی در این زمینه به او هدیه دهید.

گفت‌وگوی بعد از تماشا

- خلاصه و سیر داستان را از فرزندان بپرسید. با این کار قوه‌ی خیال و بیان او تقویت می‌شود.
- از او بخواهید پیام مهمی را که از این پویانمایی درک کرده است، بیان کند.
- از او بخواهید خودش را جای حیوانات در قفس بگذارد و در این باره داستانی بگوید.
- نظرش را درباره‌ی کار مرد فروشنده بپرسید. اگر مردم از او این حیوانات را نخرند، آیا باز هم او این کار را ادامه می‌دهد؟
- کار مرد فروشنده چه تأثیری بر طبیعت دارد؟



برای دانلود انیمیشن، این رمزینه را با دوربین گوشی اسکن نمایید.



بازی‌های دیجیتال

قبل از شروع بازی‌ها سعی کنید بازی را نصب کرده و با محیط بازی آشنا شوید. بعد در فرصتی مناسب کودک را تشویق به این بازی‌ها کنید.

۱: کابوس دشمن



جنگ بین مدافعین حرم و تکفیری‌ها است که در صورت همراه شدن بازی با توضیح والدین می‌تواند ارزشمند باشد. بازی توضیح درستی راجع به چرایی اتفاق افتادن این جنگ نمی‌دهد. راجع به آن با فرزندان صحبت کنید.

بازی کابوس دشمن می‌تواند تجربه‌ای کم‌نظیر را برایتان به ارمغان بیاورد. در این بازی جذاب شما باید به‌عنوان سربازان یا بهتر بگوییم کماندوهای ایرانی به نبرد با دشمنان بپردازید. کاراکترهای مختلفی برای انتخاب در بازی تعریف شده‌اند که همگی ایرانی هستند، اما قابلیت‌ها و سلاح‌های مختلفی را به همراه دارند. همچنین امکان ارتقاء سلاح‌ها و قابلیت‌های مختلف کاراکترهای موردنظرشان هم در بازی وجود دارد. برای مثال شما می‌توانید قدرت سلاح یا تعداد تیرهای کاراکتر موردعلاقه خود را افزایش دهید. بازی جنگی است و بازیکن به کشتن تکفیری‌ها و داعشی‌ها می‌پردازد و کاراکترهای قابل انتخاب بازیکن از افراد نیروهای مسلح ایران هستند. بازیکن قابلیت خرید درون برنامه‌ای دارد و به دلیل کافی

گفت‌وگوی قبل
از بازی

نبودن امتیازات به دست آمده داخل بازی، بازیکن با خرید درون برنامه‌ای می‌تواند بسیار ساده‌تر و سریع‌تر پیش برود. با توجه به اینکه، نیروهای سطح پایین پلیس و ارتشی هستند و نیروهای سطح بالا، امنیتی و پاسدار، ممکن است تفاوتی بین نیروهای مسلح در ذهن بازیکن شکل بگیرد. با فرزند خود راجع به ارزشمند بودن هرکدام از نیروهای مسلح صحبت کنید و اینکه هرکدام از این مسئولیت‌ها دارای ارزش ذاتی هستند. صدای دشمنان در بازی عربی است و بازیکن فکر می‌کند تکفیری‌ها همه عرب هستند، درباره‌ی این موضوع به فرزندتان تذکر دهید.

- درباره‌ی چرایی انجام این جنگ و طرف‌های درگیر در این جنگ با فرزندتان خود گفته‌گو کنید.

- در مورد بحث اعتقادی و لزوم انجام این مبارزه و شهیدان این راه و شخصیت‌های بزرگ که در این راه بودند، صحبت کنید.

- در مورد خرید درون برنامه‌ای و پیشنهادهای بازی نظر فرزند خود را بخواهید که آیا این خرید به نظر او درست است و هدف او از این خرید چیست؟

گفت‌وگوی بعد
از بازی

- می‌توانید مفهوم کمک به افراد بازی‌سازی که داخلی هستند و بازی‌هایشان اهداف خوبی را دنبال می‌کند را به فرزندتان منتقل کنید.

- در مورد اینکه جنگ و خشونت، آخرین راه‌حل است و برای اسلحه به دست شدن باید دلیل جدی داشت با فرزندتان صحبت کنید.



برای دانلود بازی، این رمزینه را با دوربین گوشی اسکن نمایید.

۲- هشت خوان ۲



هشت خوان ۲ یک بازی کارتی است که در آن بازیکنان با مدیریت منابع و کارتهای خود باید به رقابت با همدیگر بپردازند. بخش ماجراجویی، بخش داستانی بازی است که فضایی شبیه به شاهنامه را مجسم می‌سازد. از این رو، این بازی برای آشنایی بازیکن با ادبیات کهن می‌تواند گزینه‌ی خوبی باشد.

زمینه‌های رقابتی در بازی متنوع هستند و بازیکنان از طریق لیگ حذفی، رقابت دوستانه و بخش آنلاین می‌توانند با رقبای خود مسابقه دهند. بازی دارای جدول رتبه‌بندی است که به بازیکن اجازه می‌دهد وضعیت خود را با سایر بازیکنان مقایسه کند. در هنگام بازی در بخش آنلاین بازیکن با استفاده از بسته‌های گفت‌وگو می‌تواند برای طرف مقابلش کُری بخواند، این موارد بازیکنانی که به دنبال رقابت هستند را جذب خود می‌کند. بازی دارای چالش‌ها و خط روند داستانی است که مورد توجه بازیکنان قرار می‌گیرد. بازی از نظر رقابت‌های آنلاین و توانایی ایجاد دوستی برای بازیکنان معاشرت جو مناسب است.

گفت‌وگوی قبل
از بازی

- با فرزندان در مورد داستان بازی گفت‌وگو کنید، وظیفه او در بازی چیست و چه چیزی را دنبال می‌کند؟

- در مورد جادوهای به‌کار رفته در بازی از جمله در داستان و یا گیم‌پلی بازی با فرزندان صحبت کنید.

- راجع به خرید از بازی و تخفیف‌های مدت‌دار صحبت کنید، از فرزندان بپرسید چقدر برای خرید مشتاق است و این خرید در واقع چه دادوستدی است.

- راجع به شخصیت‌های بازی و ارتباط آن‌ها با شاهنامه با فرزندان گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگوی بعد
از بازی

برای دانلود بازی، این رمزبانه را با دوربین گوشی اسکن نمایید.



دعا و نیایش

در پایان، متن این دعا و نیایش را با فرزند خودتان بخوانید:

طبق فرموده امام علی علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام، دعا در این زمان‌ها به استجابت نزدیک است: بعد از نماز، هنگام تلاوت قرآن، قبل از اذان صبح، بعد از طلوع فجر، بعد از ظهر و بعد از مغرب، قبل از بلا و سختی‌ها، شب عید قربان و اول رجب، روز عرفه، نیمه شعبان، شب عید فطر، ماه مبارک رمضان، روزهای جمعه.

می‌توانی این دعاهای خوب را همراه بزرگ‌تره‌هایت بخوانی. این دعاها را یاد بگیر و با خدا گفت‌وگو کن. خدا صدا و دعای تو را که پاک و خوب هستی، دوست دارد.

خدای مهربانم؛ از تو ممنونم به خاطر اینکه من را به خوبی خلق کرده‌ای.

خدای عزیزم؛ کمک کن تا از کارهایی که باعث ضایع شدن حقوق دیگران می‌شود، دوری کنم و کمک کن تا کسی حقوق مرا ضایع نکند.

خدایا؛ به من توانایی بده تا جرات مقابله با ظلم و قانون‌شکنی را داشته باشم.

خدایا من همیشه مراقب خودم هستم و از پاکی و سلامتی خودم مواظبت می‌کنم. تو هم مراقب من باش.

خدای مهربانم؛ من می‌دانم اگر اشتباهی از من سر زد، تو من را می‌بخشی و مثل همیشه دوستم داری.

خدایا؛ بر پیامبر مهربانت و خاندان عزیزشان درود بفرست و من را از پیروان ایشان قرار بده.



کتاب کار با کودکان ۱۰ تا ۱۳ سال

منابع

- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از مثنوی مولوی. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از گلستان و ملستان. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، مصطفی رحماندوست، نگین فراهانی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های چهارده معصوم (ع). موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از آثار شیخ عطار. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از سندبادنامه و قابوسنامه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، زهرا موسوی، محمد میرکیایی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از مرزبان‌نامه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از کلیله و دمنه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی، مرتضی ممیز. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از قصه‌های قرآن. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار، ابراهیم اصلانی، محرم آقازاده. ۱۳۹۳. خیلی نزدیک، کمی دور: مهارت‌های زندگی: تفاهم و همدلی. مرآت
- محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر. ۱۳۹۳. دنیای من، دنیای تو: مهارت‌های زندگی: روابط بین فردی و ارتباط مؤثر. مرآت
- لیلا سلیقه‌دار، ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر، محرم آقازاده. ۱۳۹۲. سیب‌هایی سر راه مهارت‌های زندگی: تصمیم‌گیری. مرآت
- محرم آقازاده، مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار. ۱۳۹۲. ویندوز جدید زندگی! مهارت‌های زندگی: مهارت زندگی در دنیای امروز. مرآت
- لیلا سلیقه‌دار، محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر. ۱۳۹۲. عبور از دیوارهای بلند مهارت‌های زندگی: مهارت رودرویی با بحران‌های زندگی. مرآت
- مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار، محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی. ۱۳۹۲. اندیشه نو، زندگی متفاوت مهارت‌های زندگی: مهارت‌های فرایندی: تفکر خلاق و تفکر نقاد. مرآت
- محرم آقازاده، لیلا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی. ۱۳۹۲. یک شهر، یک سقف مهارت‌های زندگی: مهارت شهروندی. مرآت
- رضاعلی نوروزی، مریم صاعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌یار. ۱۳۹۴. شهربازی هوش هیجانی: کودک اجتماعی. یار مانا

- ابراهیم اصلانی، محرم آقازاده، مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار. ۱۳۹۲. گره‌گشایی در روز روشن مهارت‌های زندگی: تعارض و حل مسئله. مرآت

- رضاعلی نوروزی، منیره عابدی‌درچه، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خودآگاه. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، منیره عابدی‌درچه، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خودآگاه. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک اجتماعی. یار مانا

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خلاق. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۴۰۰. شهربازی هوش هیجانی: کودک خلاق. یار مانا

- رضاعلی نوروزی، نگین درخشنده، مریم همت. ۱۳۹۲. داستان‌های فکری برای کودکان ایرانی (مجموعه‌ی ۱۰ جلدی). نشر آموخته

.....

- شارنل بارتل. ۱۳۹۶. صد و یک بازی نشاط آور برای بچه های ۶ تا ۱۰ سال، ترجمه: حسین فدایی حسین، تهران: نشر صابرین.

- فاطمه بدرطالعی. ۱۳۹۴. بازی های محلی ایران برای کودکان و نوجوانان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان .

- اسماعیل جعفری. ۱۳۹۷. دایره المعارف بازی کودکان، تهران، نشر ندای سینا.

- پترا رایین هارد. ۱۳۹۱. ۲۵۰ بازی ۵ دقیقه ایی با بچه ها در خانه و مهد و مدرسه، ترجمه: اکبر قندی ، تهران: نشر قدیانی.

- شاندو واردا. ۱۳۹۷. ۱۰۱ بازی خانوادگی، ترجمه: منصوره اصلانی. تهران: نشر صابرین.

- جی کی چن، امیلی ایزبرگ، مارا کرچوسکی. ۱۳۹۳. پروژه طیف (تجربه ها و فعالیت هایی برای افزایش هوش

های چندگانه در کودکان پیش دبستانی). ترجمه: علی اکبر ابراهیمی، احمد عابدی. اصفهان: نشر نوشته.

- جان گاتمن. ۱۳۹۱. پرورش هوش هیجانی در کودکان. ترجمه: حمیدرضا بلوچ، تهران، نشر رشد.

- استنلی گرین اسپن. ۱۳۹۴. کلیدهای پرورش احساس امنیت در کودکان. ترجمه: اکرم کرمی، تهران: نشر صابرین.

- سایت بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای به آدرس (www.ircg.ir)

- سامانه‌ی دستیار چندرسانه‌ای خانواده؛ کدومو به آدرس (www.kodoumo.ir)

- مرجع تحلیل تربیتی انیمیشن‌ها به آدرس (www.chikhoobeh.com)

- سرویس اشتراک ویدئو به آدرس (www.aparat.com)

- مرجع پخش زنده و آرشیو شبکه‌های صدا و سیما به آدرس (www.telewebion.com)

- سایت دانلود برنامه و بازی برای اندروید؛ کافه بازار به آدرس (www.cafebazaar.ir)